

## بررسی ابعاد گوناگون فرهنگ قرآنی قوام و مقاومت و معرفی الگوی مفهومی عوامل و موانع قوام و مقاومت اقتصادی مبتنی بر آیات

نویسنده: یاسر سلیمانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و برنامه زندگی، دربرگیرنده‌ی تمام آنچه است که انسان و جامعه‌ی بشری برای حیات به آن نیاز دارد. داشتن نظام اقتصادی و برنامه‌ی اقتصادی از جمله مواردی است که جامعه‌ی بشری به آن نیاز دارد و جامعه اسلامی مجزی از این نیست. با توجه به اینکه قرآن تبیان لکل شی هست و همه‌ی نیازهای بشری در آن آمده است، بنابراین باید چارچوب کلی اقتصاد و اصول اصلی آن در قرآن آمده باشد. با توجه به اینکه کشور ما در محاصره‌ی اقتصادی از سوی ابرقدرت‌های جهان قرار گرفته است و انواع فشارها و تحریم‌های اقتصادی بر کشورمان تحمیل می‌شود، لذا داشتن اقتصاد مقاوم در برابر فشارها و تحریم‌ها ضروری می‌نماید. هدف ما در این مقاله این است که پس از معرفی چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی که مورد تاکید مقام معظم رهبری هست، عوامل و موانع قوام و مقاومت اقتصادی را از آیات قرآن استخراج کنیم و آیاتی که دلالت بر مقاوم بودن و ایستادگی دارد را باز نموده و نیز آن ارکانی را که برای مقاوم شدن اقتصاد لازم است را متذکر شویم، لذا در این مقاله و به فراخور موضوع از روش اسنادی- کتابخانه‌ای استفاده شده است. شایان ذکر است در تبیین پیشینه پژوهشی و قرآنی بحث، حضرات آیات و حجج اسلام، علامه طباطبایی، جوادی آملی، مهدوی کنی، قرائتی و... صاحب نظرات و مکتوباتی هستند که به فراخور از آن‌ها استفاده شده است. نتیجه پژوهش نیل به دو الگوی مفهومی عوامل و موانع قوام و مقاومت اقتصادی از منظر قرآن کریم است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، قیام و قوام، مال

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، کارشناس و پژوهشگر گروه مطالعات اقتصادی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)،

نشانی پست الکترونیک: y.soleymani@isu.ac.ir

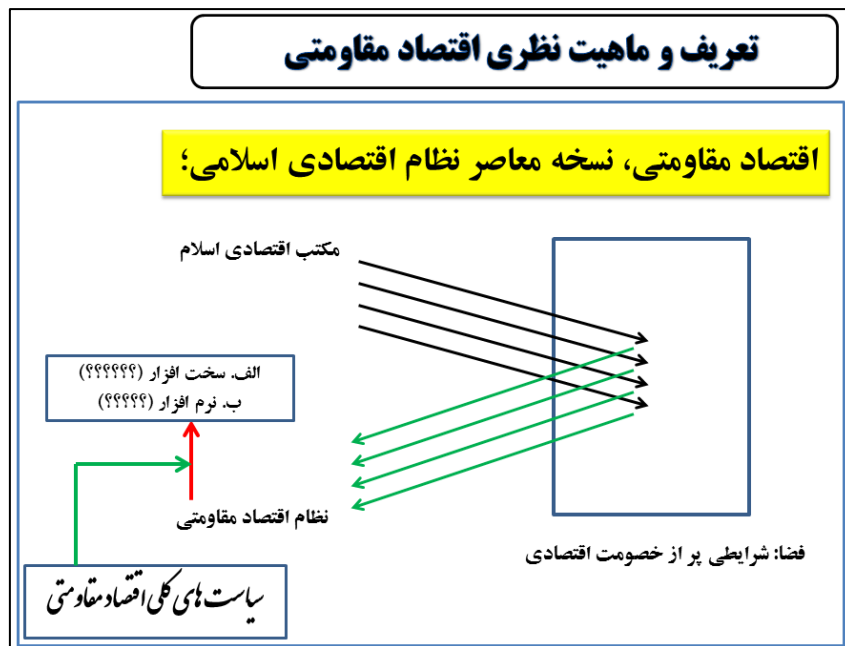
یکی از عرصه‌های مهم انقلاب اسلامی که از بدو پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی اهمیتی مضاعف برای ما داشته‌است، عرصه و نظام اقتصادی بوده‌است. انقلاب اسلامی بواسطه ماهیت استکبارستیز خود همواره با تهدیدات مختلف دشمنان خارجی بوده‌است. یکی از مهمترین این تهدیدات ناعادلانه و غیرانسانی تهدید و تحریم‌های اقتصادی بوده‌است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی کشور ما همواره با تحریم‌های مختلف در عرصه انرژی، غذا و دارو، کشتیرانی و قطعات هواپیما و غیره مواجه بوده‌است که در برهه‌ها و زمان‌های مختلف کشور را با مشکلاتی مواجه نموده‌است. یکی از راهکارهایی که برای مواجهه با تحریم‌ها توسط رهبر معظم انقلاب مورد استفاده قرار گرفته‌است، کلیدواژه اقتصاد مقاومتی بوده‌است. واژه «اقتصاد مقاومتی» به طور اخص از سال ۱۳۸۹ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح شد. ایشان در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۸۹ در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی جدید علیه کشورمان وضع شده‌بود، راهکار مقابله با تحریم‌ها را اقتصاد مقاومتی دانستند و فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم». ایشان در موقعیت‌های مختلف اقتصاد مقاومتی را تبیین و تعریف نموده‌اند و رویکردهای حاکم بر آن را چنین برشمرده‌اند: «با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد». (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹)

فهم اقتصاد مقاومتی آنگاه بهتر شکل می‌گیرد که در ساحت اقتصاد ما قائل به مدلی سه بخشی شویم.



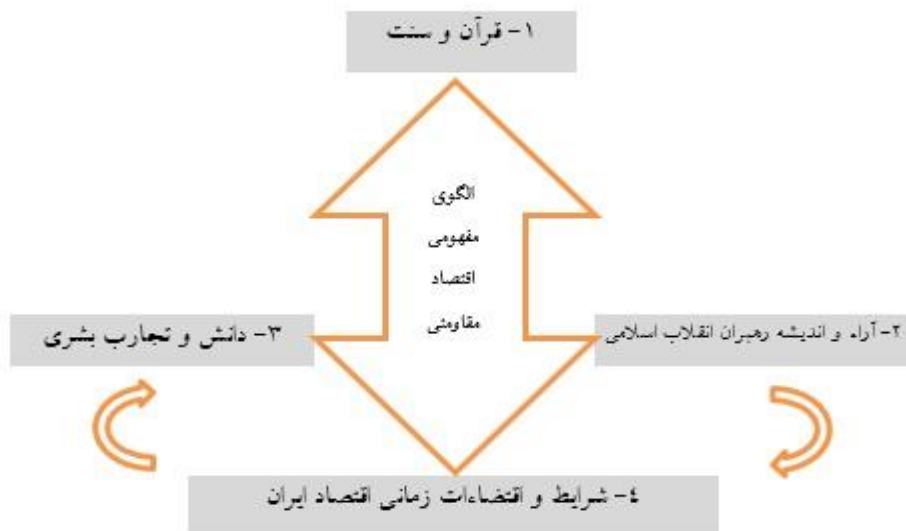
شکل ۱: برش‌هایی به لایه‌بندی اقتصاد ج.ا.ا.

در این مدل اقتصاد اسلامی مبنای اندیشه و عمل قرار می‌گیرد و مرحله بعد از آن اقتصاد انقلاب اسلامی است که محدود به ایران نمی‌باشد و مرحله آخر و نوک هرم اقتصاد جمهوری اسلامی و مدلی کارا برای حل مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی است (عبدالملکی، ۱۳۹۳). اجرای مکتب اقتصادی اسلام مستلزم ایجاد یک نظام جدید خواهد بود. در این تعبیر اقتصاد مقاومتی به معنای طراحی و اجرای نظام اقتصادی است که در شرایط پرخسومت کنونی مکتب اقتصادی اسلام را به فعلیت برساند و به طور مشخص اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی را محقق نماید. در همین راستا ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب، به منزله تعیین خطوطی کلی در جهت طراحی نظام جدید است (عبدالملکی، ۱۳۹۳).



شکل ۲: تعریف و ماهیت نظری اقتصاد مقاومتی

جایگاه اقتصاد مقاومتی با توجه به شکل ۱ در مرحله سوم است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی با توجه به شکل ۲ بازتابی از نظام اقتصادی اسلام است که به عرصه ظهور می‌رسد. اقتصاد مقاومتی امری جدا از مبانی دینی اقتصاد اسلامی نمی‌باشد. برای فهم عناصر موثر اقتصاد مقاومتی نیز می‌توان از الگوی زیر تبعیت نمود (پیغامی، عادل، سمیعی‌نسب، مصطفی، سلیمانی، یاسر، ۱۳۹۴):



شکل ۳: مدل و الگوی مفهومی اقتصاد مقاومتی

در توضیح مدل مفهومی ارائه شده در شکل ۳ مختصراً باید گفت، برای نیل به یک الگوی بومی و به عبارتی ایرانی - اسلامی از اقتصاد مقاومتی به چهار رکن نیاز است که عبارتند از: ۱. قرآن و سنت (مابقی ارکان دارای رابطه طولی با این رکن هستند) ۲. آراء و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، ۳. دانش و تجارب بشری و ۴. در نظر گرفتن شرایط و اقتضات زمانی اقتصاد ایران.

نوک پیکان و یکی از مهمترین قسمت‌های اقتصاد مقاومتی توجه به متون دینی و آیات و روایاتی است که از جانب ائمه معصومین (ع) و از طریق وحی به ما رسیده است تا بر مبنای آن زندگی سعادت‌مندانه برای خویش تنظیم کنیم. در واقع در این مقاله و با توجه به شکل ۳ ما بخش قرآن و سنت را دنبال خواهیم نمود. با توجه به مدل مذکور، ذکر این نکته خالی از فایده نمی‌نماید که بررسی و رجوع به دانش و تجربه سایر کشورها، علی‌رغم این که اکثر کشورها از الگوهای مبتنی بر شریعت پیروی نمی‌کنند، دارای اشکال نخواهد بود و اجمالاً در تأیید نظر فوق می‌توان به آیات، روایات و سیره ائمه: تمسک جست. آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: «سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (سوره انعام، آیه ۱۱). از طرفی در سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) ما شاهد این هستیم که ایشان در مواجهه با جاهلیت سه استراتژی به کار می‌بردند: یک. نفی، دو. امضاء و سه. تأسیس، لذا در بحث اقتصاد مقاومتی نیز باید بخش‌هایی از علوم و تجارب غربی را نفی کرده، بخش‌هایی

از آن را امضاء شود - ایشان در واقع قائل به این مطلب بودند که انسان‌های عهد جاهلیت نیز دارای برخی کردارها و امور مناسب و مطابق با شرع هستند و البته قطعاً بخشی دیگر از امور و کردارهای ایشان کاملاً دچار اشکال بوده است - و برخی امور از پایه لغو و احکامی تأسیسی بنانهاده شد.

غرض از بیان مطالب فوق این بود که نوع رفتار علمای دینی و اقتصادی با تئوری‌های اقتصادی متعارف، باید دارای یک قوه پالایش و نقد باشد که بتواند با واکاوی نظریات متداول غربی، هر جا نیاز به امضاء دارد، امضاء و هر کجا نیاز به تأسیس است، اقدام به تأسیس نماید - که البته تشخیص خلاف اصول اسلامی بودن آن به عهده مجتهدین خواهد بود. در صورت امکان پالایش دقیق، در اصطلاح علمی به این فرآیند، ساختارشکنی یا شالوده‌شکنی<sup>۲</sup> گویند که یک روش و متدولوژی است که گفتمان‌ها را تجزیه و تحلیل کرده تا از آن طریق، به درون آن راه یابد. فلاسفه معتقدند اگر هر مفهوم علمی و تئوریک تجزیه و تحلیل شود، به یک سری عناصر تشکیل‌دهنده خواهد رسید که آن عناصر پایه‌ای چند چیزند: یک. هستی‌شناسی، دو. انسان‌شناسی، سه. غایت‌شناسی، چهار. ارزش‌شناسی، پنج. معرفت‌شناسی و شش. تکلیف‌شناسی؛ از آنجایی که در این کتاب در مقام تبیین مبانی فلسفی بحث نیستیم، به همین میزان اکتفا می‌شود. (پیغامی، سمیعی‌نسب، سلیمانی، ۱۳۹۴) لذا اجمالاً باید گفت تمامی اضلاع مدل مذکور دارای رابطه‌ای طولی با رکن قرآن و سنت بوده و با متناسب با استراتژی و روشی که بیان شد، باید از سایر ارکان بهره برد.

## ۲- بررسی منظومه مقاومت و کلیدواژه‌های مقارب در قرآن کریم

با توجه به آیه ۸۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نحل، که خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ». علامه‌ی طباطبایی ذیل این آیه‌ی شریفه‌ی می‌فرماید: «چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است و جز این کار و شانی ندارد لذا ظاهراً مراد از کل شیء همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدء و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواعظی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاجند، و قرآن تبیان همه اینها است (نه

اینکه تبیان برای همه علوم هم باشد).<sup>۳</sup> با توجه به فرموده‌ی علامه طباطبایی و با توجه به این که معیشت مردم و نوع آن برای سعادت انسانها و رهیافتن ایشان به حقیقت امری مهم و ضروری به شمار می‌آید، بنابراین چارچوب کلی این معیشت و اقتصاد در قرآن آمده است. از جمله آیات دیگری که به این موضوع اشاره دارد آیات ۳۸ سوره‌ی انعام است که خداوند می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ». در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: ما در این کتاب قرآن هیچ چیزی را فروگذار نکرده‌ایم و هر آنچه را که بشر برای تکامل و هدایت و ادامه‌ی زندگی به آن نیاز دارد را آورده‌ایم و نیز در آیه ۲۹ سوره نبا می‌فرماید: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا». یعنی ما در قرآن همه چیز برشمرده‌ایم و هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم.

یکی از مفاهیم مهمی که در قرآن کریم در عبارات و کلمات مختلف آمده‌است کلمه «قیام» و هم خانواده‌های آن است. چارچوب مفهوم مقاومت در قرآن کریم مشخص گردیده‌است و معانی مختلف آن در آیات مختلفی از قرآن کریم آمده‌است. قطعاً قرآن کریم نظام مشخصی برای جامعه انسانی مدنظر دارد که یکی از ویژگی‌های آن در صورتی که بر مبنای سنن و قوانین الهی عمل نماید، قوام و پایداری آن جامعه است. اقتصاد به عنوان یکی از نهادهای مهم هر نظام باید بتواند تضمین‌کننده رفاه مبتنی بر سعادت افراد باشد و این اصول برای اقتصاد مقاوم در جامعه اسلامی بیان شده‌است. یکی از مفاهیم نزدیک به قیام و قوام در جامعه نیز مفهوم رشد است که در خود قرآن کریم نیز به آن اشاره رفته‌است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء/۵)» خداوند در آیه شریفه نهی از در اختیار قرار دادن اموال سفها به ایشان می‌کند، زیرا که نحوه صحیح استفاده از آن را نیاموخته‌اند. (پیغامی، ۱۳۹۲) علامه جوادی آملی در پیام به همایش اقتصاد مقاومتی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «ملت اگر بخواهد قائم و مقاوم باشد چاره‌ای نیست که کیف و جیش پر باشد؛ ملتی که دستش تهی است، از ستون محروم است، از قیام و مقاومت طرفی نمی‌بندد، این مال است که عامل قیام یک ملت است. این ستون را نباید به دست لرزان افراد سفیه و بی‌غرضه

<sup>۳</sup> ترجمه‌ی تفسیر المیزان

سپرد، آن مدیر سفیه و آن مدبّر لرزان، خود را نمی‌تواند تأمین کند، خودایستادگی را فرا نگرفته، چه رسد به اینکه بتواند ستون ملت و مملکتی را نگهداری کند. مال، عامل قیام یک ملت است؛ آن کسی که سفاهت اقتصادی دارد، درایت اقتصادی ندارد». (جوادی آملی، همایش اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۳/۲/۲۲)

یکی از مفاهیم مهم و نزدیک دیگر به مقاومت و قیام مفهوم صبر است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران/۲۰۰)». از آن جا که صبر و استقامت، سبب هرگونه پیروزی‌های مادی و معنوی می‌شوند، و اهمیت به سزایی در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی دارند، قرآن کریم در این آیه، به مسلمانان متذکّر می‌شود که بایستی در برابر دشمنان و به موازات پایداری و استقامتی که آنان نیز به خرج می‌دهند، به استقامت پردازند، و بدیهی است که، لازمه‌ی چنین امری در وهله نخست جهاد در برابر مشکلات داخلی و اصلاح نقاط ضعف خویش می‌باشد. همچنین مسلمانان موظّف هستند در برابر حملات احتمالی دشمنان پیوسته در آمادگی کامل جهت دفاع از خویش و هویت جامعه‌ی اسلامی به سربزند، البته که عمل به یک چنین اوامری بدون انگیزه الهی و دوری از اغراض شخصی و به طور کلی پرهیزکاری میسر نخواهد بود و به یقین، این وجه امتیاز استقامت و پایداری مسلمانان از بدخواهان ایشان است، چه آنکه دشمنان نیز در راه دست یابی به اهداف و اغراض خویش استقامت می‌ورزند و همواره در حالت آماده باش به سر می‌برند. چنانچه جامعه اسلامی این دستورات را سرلوحه خویش قرار دهد، تلاش و کوشش مسلمانان به تناسب سعی و تلاش دشمنان افزایش یابد، و همواره ایشان آماده مقابله با اقدامات خصمانه‌ی بدخواهان خویش در هر زمینه‌ای باشند، و تقوای فردی و اجتماعی را همراه سازند، بدون شک، پیروزی نهایی از آن ایشان خواهد بود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قرائتی، ۱۳۸۷). در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (الروم/۶۰)». پیامی که این آیه شریفه می‌تواند برای جامعه‌ی اسلامی در بر داشته‌باشد، آن است که، رهبری یک چنین جامعه‌ای بایستی با تکیه بر شکیبایی و استقامت و نیز با آن چنان متانت و وقاری که بدخواهان توانایی خدشه دار کردن آن را نداشته باشند، در تمام عرصه‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، جامعه را به سرمنزل مقصود راهبری نماید هر چند که جامعه آماج دسیسه‌ها، جوسازی‌ها و کارشکنی‌های دشمنان باشد؛ چرا که



تحقق وعده الهی در راستای یاری ایشان نیز منوط بر همین امر است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰).

## ۱-۲ اصول اقتصاد اسلامی در قرآن کریم

چارچوب کلی اقتصاد مقاومتی که طبق شکل ۲ نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام معرفی گردید، در قرآن طی اصولی چنین مشخص شده است که عبارتند از: (۱) خالقیت و ربوبیت: «الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل»، (۲) حاکمیت: «الا له الحکم و هو اسرع الحاسبین»، (۳) اصالت حق: «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما بالحق»، (۴) مالکیت: اصل مال، از آن خدای سبحان است: «وواتوهم من مال الله الّذی ءاتکم (نور/۳۳)». ولی خدا از مالش در اختیار انسان قرار داده تا از آن بهره ببرد، یعنی اسلام اجازه‌ی مالکیت خصوصی را داده است. در آیه مورد بحث، مال به اشخاص نسبت داده شده است: «آموکم» و این نشان می‌دهد که خدا مال را به افراد تملیک شرعی کرده است و آنان که از راه صحیح به مال دست یابند، مالک شرعی آن شناخته می‌شوند. البته این مالکیت، در حدّ مالکیت تشریحی و اعتباری است؛ نه مالکیت تکوینی، (۵) تسلیط و تسخیر «سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً منه»، (۶) تامین و تضمین روزی: «قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ لَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ (سبا/۳۶)»، (۷) تفاوت و تفضیل: «نحن قسمنا معيشتهم فی الحیاه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض» (مهدوی کنی، ۱۳۸۰).

حال بر اساس این اصول به بررسی مفهوم قوام در ادبیات قرآن کریم و ویژگی‌های نظام اقتصادی مقاوم می‌پردازیم.

## ۲-۲. چارچوب مفهومی مقاومت در قرآن کریم

«اِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِيْ هِيَ اَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنْ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا (اسراء/۹)». علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می‌فرماید: «شریعت شامل هر نوع اصلحیت و انفعیتی می‌شود، یعنی هر زمان و مکان، و هر انسانی را بدون استثناء در بر می‌گیرد. پس با توجه به مطالبی که گفته شد معنی جمله فوق چنین می‌شود: این قرآن بطور قطع، هر انسانی را که در هر زمان و مکانی باشد به سوی دین و شریعتی راهنمایی

می‌کند که استوارترین و نافع‌ترین ادیان و شرایع می‌باشد، و شکی نیست که آن دین مقدس اسلام است». کلمه قیام و مشتقات آن یکی از مفاهیمی کلیدی هستند که در بابها و شکل‌های گوناگون در قرآن کریم مطرح شده‌اند. راغب اصفهانی در مفردات خویش این کلمه را به ۴ گونه تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱) قیام کردن و برخاستن با جسم و بدن، قهرا و بناچار: «قائم و حصید (هود/۱۰۰)»

۲) قیام کردن و برخاستن با جسم و بدن، به اختیار: «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم (آل عمران / ۱۹۱)»

۳) قیام برای چیزی که همان عمل مراعات و حفظ و نگهداری آن است: «کونوا قوامین لله شهداء بالقسط (مائده/۸)»

۴) قیام کردن به قصد انجام چیزی و کاری: «یا ایها الذین امنوا اذا قمتم الی الصلاه (مائده/۶)»

بیشتر موارد بکار رفته در قرآن کریم از ریشه «قوم» در باب افعال و استفعال بکار رفته است. در بیش از ۵۰ آیه شریفه قرآن هم‌خانواده‌های این کلمه بکار رفته است: اَسْتَقَامُوا، یَقُومُوا، اَقَامُوا معانی مختلفی که در جاهای مختلف قرآن کریم برای واژه قیام و هم‌خانواده‌های آن ذکر نموده است، عبارتند از: امری را تمام و کمال انجام دادن مانند برپایی نماز که علاوه بر شکل ظاهری نماز باید توجه به معنی آن نیز شود. معنای مهم دیگری که در میان تفاسیر برای واژه قیام ذکر شده تعادل و استواری است. در میان حالت‌های مختلف برای انسان معتدل‌ترین حالت ایستادن است که انسان برای انجام امور خود بیشترین تسلط را دارد. سومین معنای مهم این واژه در ادبیات مفهومی قرآن کریم در صراط مستقیم بودن و حرکت بر مبنای اصول است و ملازمت با اعمال و اخلاق متناسب با آن است. عدم انحراف و ایستادگی از معانی و مفهوم‌های مهم استقامت است.

حال برای فهم مناسبات اقتصادی در جامعه اسلامی و برای آن که بدون انحراف از صراط مستقیم و برای رشد و تعالی انسان از داشته‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی خود استفاده نماید، به خود آیات قرآن رجوع می‌کنیم.

طبق نظر آیت الله جوادی مال مایه قوام جامعه است و قرآن کریم برای آن که جامعه به قوام دست یابد، اقدامات و کارهایی که توسط افراد جامعه اسلامی و دولت باید صورت بگیرد را بیان کرده است:

## ۱) عوامل قوام و مقاومت اقتصادی جامعه اسلامی

### • یاد خدا و طیب بودن

«فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (انعام/۱۱۸)»، «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِتَّكُمُ لَمُشْرِكُونَ (انعام/۱۲۱)». دلالت و تاثیری که آوردن نام خداوند در عالم تکوین به همراه خود دارد و در صورت عدم وجود آن گوشت و ذبح حلال و قابل استفاده نیست. آیات زیر یک اصل را در مصرف بیان می‌کنند و آن این که چیزی که انسان مصرف می‌کند اولاً حلال باشد، ثانیاً طیب باشد. بنا بر گفته‌ی علامه طباطبایی: «اصل بر این است که همه‌ی نعمت‌هایی که در زمین است حلال و طیب است، مگر اینکه خدا از آن نهی کرده باشد. یعنی اصل بر حلیت و طیب بودن نعمات الهی است و در جایی شک بر این شد که نعمتی حلال است یا حرام اصل بر این است که حلال است مگر اینکه خلافش ثابت شود. خودداری بدون دلیل از نعمات الهی و حرام شمردن آن گناه بزرگی است (ترجمه تفسیر المیزان، جلد اول)». «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا (بقره/۱۶۸)»، «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف/۳۲)». بنابراین کسی حق ندارد بدون دلیل نعمتی از نعمات الهی را حرام کند. استفاده بهینه از نعمات الهی مانند منابع زیرزمینی برای رشد و پویایی یک اقتصاد لازم است، حال اگر این منابع به درستی مورد استفاده قرار نگیرند و در حالی که می‌توان با فعالیت و تحقیق و ایجاد ارزش افزوده موجب قوام و استواری یک جامعه در بعد اقتصادی گردید، به نظر می‌رسد مصداق حرام کردن نعمات الهی به شمار آید.

## • تلاش و کار در حد توان و پرهیز از تنبلی

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (بقره/۲۸۶) وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم/۳۹)». به هر یک از انسان‌ها به اندازه ظرفیت ایشان توانایی داده شده است و ایشان برای رسیدن به کمال باید این استعدادها را به فعلیت و منصفه ظهور برسانند. یکی از این استعدادها نیرو و توان برای کار و فعالیت است. در اسلام و قرآن کریم کار امری مقدس شمرده می‌شود و مانند اقتصاد متعارف دارای ضد مطلوبیت<sup>۴</sup> نیست، بلکه انسان تلاشگر مانند مجاهد فی سبیل الله شمرده می‌شود.

• استقامت در عمل و راه حق و تمام کردن کار به نحو قابل قبول قبول (اتقان در کار و عمل)

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت/۳۰)». در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». از آن جا که صبر و استقامت، سبب هرگونه پیروزی مادی و معنوی می‌شوند، و اهمیت به سزایی در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی دارند، قرآن کریم در این آیه، به مسلمانان متذکر می‌شود که بایستی در برابر دشمنان و به موازات پایداری و استقامتی که آنان نیز به خرج می‌دهند، به استقامت بپردازند، و بدیهی است که، لازمه‌ی چنین امری در وهله نخست جهاد در برابر مشکلات داخلی و اصلاح نقاط ضعف خویش می‌باشد. همچنین مسلمانان موظف هستند در برابر حملات احتمالی دشمنان پیوسته در آمادگی کامل جهت دفاع از خویش و هویت جامعه‌ی اسلامی به سربند، البته که عمل به یک چنین اوامری بدون انگیزه الهی و دوری از اغراض شخصی و به طور کلی پرهیزکاری میسر نخواهد بود و به یقین، این وجه امتیاز استقامت و پایداری مسلمانان از بدخواهان ایشان است، چه آنکه دشمنان نیز در راه دست یابی به اهداف و اغراض خویش استقامت می‌ورزند و همواره در حالت آماده باش به سر می‌برند. چنانچه جامعه اسلامی این دستورات را سرلوحه خویش قرار دهد، تلاش و کوشش مسلمانان به تناسب سعی و تلاش دشمنان افزایش یابد، و همواره ایشان آماده مقابله با اقدامات خصمانه‌ی بدخواهان خویش در هر زمینه‌ای باشند، و

<sup>۴</sup> utility

تقوای فردی و اجتماعی را همراه سازند، بدون شک، پیروزی نهایی از آن ایشان خواهد بود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، جلد ۳، صص ۳۰۰ الی ۳۰۶؛ قرائتی، ۱۳۸۷، جلد ۲، ص ۲۳۳). «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود/۱۱۲)». با وجود ایمان به نصرت الهی ترس از ستم و مشقت و نیز کاسته شدن پاداش و دستمزد معنایی ندارد.

### • کار و عمل حسن و خوب

کار و عمل خوب تا ابد باقی است و ضایع شدنی نیست. گاهی در راه خدا باید سختی کشید، حتی باید از جان گذشت، گاهی باید گرسنگی را تحمل کرد، بی‌خوابی را تحمل کرد، در برابر تحریم‌ها و فشارهای دشمن باید ایستاد، تا اینکه پیروزی حاصل شود. «أَنْتِي لَا أَضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَغْضُكُمْ مِنْ بَعْضِ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ( بقره/۱۹۵)». در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (کهف/۳۰)» عملی ضایع شدنی نیست که حسن باشد، خوب باشد، دارای کیفیت باشد، کامل باشد، نه هر کاری، یعنی انسان حداکثر دقت را در آن به کار برد. عملی نزد خدا ارزش دارد که صالح باشد نه هر عملی. ممکن است فردی وقت زیادی برای یک کار بگذارد ولی چون در توانش نیست کار را خراب و ناقص انجام دهد، انسان باید از پذیرش مسئولیتی که توان انجامش را ندارد خوداری کند. داشتن تدبیر و سواد لازم برای انجام کارها بسیار مهم است و تنها با شعار دادن نمی‌توان کاری از پیش برد.

### • یاد خدا نه صرفه‌ی اقتصادی

«رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ (نور/۳۷)»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ( جمعه/۹)». این آیه به وضوح دلالت دارد بر اینکه نباید مال و تجارت مقدم بر خدا و پیامبرش و جهاد در راهش باشد. مال باید وسیله‌ای باشد برای گام برداشتن در راه خدا و اگر انسان را از راه خدا باز داشت ارزشی نخواهد داشت. طلب رزق و روزی و فضل خدا نباید تعطیل شود مگر برای

یاد خدا، بدون عذر تعطیلی کار جایز نیست. در حقیقت قرآن کریم هیچگاه مشوق تنبلی و بیکاری برای انسان نبوده است، اما جایگاه آن را مشخص نموده است.

فضل و رحمت به دست خداست و کشورهای بیگانه در اینکه ما را از فضل الهی محروم کنند نقشی ندارند. پس اگر کشور در راه خدا گام بردارد و به ظرفیتهای درونی خود توجه کند، خداوند حيله‌ها و تحریم‌های دشمنان را خنثی خواهد کرد، و ضررها را متوجه خودشان خواهد نمود. خداوند می‌فرماید: «لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (حدید/۲۹)». اگر خدا را یاری کنیم و به دنبال این باشیم که پرچم اسلام در سرتاسر جهان برافراشته شود دیگر ترسیدن از فشارهای دشمن با توجه به وعده‌ی نصرت الهی بی‌معنی خواهد بود. «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج/۴۰)». خداوند متعال می‌فرماید: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)». باید فرامین الهی را در جامعه پیاده کرد در جهت گسترش تقوای الهی در جامعه کوشش کرد تا خدا برکاتش را از آسمان و زمین فرو فرستد.

در جنگ با مشرکین نباید عقب کشید. حال ممکن است جنگ نظامی باشد یا جنگ اقتصادی، خداوند متعال می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه/۳۶)». مقاومت همراه با ایمان شرط پیروزی، نباید از کمی افراد ترسید. اگر کشور ما تنه‌است و ابرقدرت‌های جهان در برابرش ایستاده‌اند نباید ترسی به خود راه دهد، خداوند می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٌ عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره/۲۴۹)». با یاری خدا پیروزی قومی که تعدادشان کم است بر قومی که تعداد و نیرویشان زیاد است ممکن است. بنابراین کمی افراد نباید موجب سستی و ناامیدی شود. بلکه باید از ظرفیت‌هایی که داریم حداکثر بهره را ببریم، تا خدا نیز یاری خود را برساند تا پیروز شویم. ترس و ناامیدی عاملی است که کشور را از تلاش برای رسیدن به اهدافش از جمله اهداف اقتصادی خویش باز می‌دارد؛ لذا از موانع مهمی که مانع قوام است ترس و ناامیدی مردم و دولتمردان از قدرت ابرقدرت‌هاست.

## • عدم سلطه کفار

سیاست‌های اقتصادی ما نباید طوری باشد که موجب سلطه‌ی کفار بر مسلمین شود. اگر سیاست‌های وارداتی ما از کشورهای بیگانه به گونه‌ای باشد که کشور را در محصولات ضروری و استراتژیک به بیگانگان وابسته کند، تولید داخل را فلج کند و نیروی کار داخل را بیکار کند، این مصداق سلطه‌ی اقتصادی کفار خواهد بود و طبق این آیه باید جلوی چنین سیاستی گرفته شود. قرآن می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء/۱۴۱)، اگر در اقتصاد ما ضعفی وجود دارد که به واسطه‌ی آن کفار بر ما مسلط می‌شوند باید هر چه سریعتر در جهت رفع آن اقدام شود، اگر صنعت استراتژیکی هست که باعث زورگویی کفار بر مسلمانان می‌شود باید تلاش‌های لازم برای برپا ساختن آن صنعت در کشور فراهم گردد. اگر به کار بردن دلار در مبادلات اقتصادی و استفاده از دلار در مبادلات اقتصادی باعث قوت یافتن کفار و دشمنان خدا و تسلط آنان بر اقتصاد مسلمین می‌شود، واجب است که جای‌گزینی برای دلار تعریف گردد و آن از مبادلات اقتصادی حذف شود. وجود دلار در مبادلات اقتصادی باعث شده ابر قدرت‌های جهان بر کشور سلطه داشته باشند و درآمدهای حاصل از صادرات محصولاتش را بلوکه کنند و موجب بحران اقتصادی در کشور گردند، آیا بنا بر قاعده‌ی نفی سبیل واجب نیست که برای حذف دلار و جای‌گزین کردن آن تدابیری اندیشیده شود؟ آیا وجود دلار باعث ناثباتی اقتصادی و وارد شدن انواع فشار بر کشور نشده است؟ آیا این باعث نشده است کشور به خاطر تحریم‌های نفتی و بانکی و ارزی که بیشتر به خاطر وجود دلار است از مقاومت دست‌بکشیم؟ بنابراین لازم است برای حذف دلار از مبادلات اقتصادی اقدامات جدی صورت گیرد.

## • احیاء و اتکاء بر پرداخت‌های اسلامی شامل:

### الف) خمس

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَٰقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال/۴۱)؛ این آیه بنا به گفته‌ی مشهور فقها دلالت بر خمس دارد. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «از ظاهر آیه برمی‌آید که

تشریح در آن مانند سایر تشریحات قرآنی ابدی و دائمی است، و از این استفاده می‌شود که حکم مورد نظر آیه مربوط به هر چیزی است که غنیمت شمرده شود، هر چند غنیمت جنگی ماخوذ از کفار نباشد، مانند استفاده‌های کسبی و مرواریدهایی که با غواصی از دریا گرفته می‌شود و کشتی رانی و استخراج معادن و گنج، آری، گو اینکه مورد نزول آیه غنیمت جنگی است، و لیکن مورد مخصص نیست (ترجمه المیزان، ج ۹)؛ لذا یکی از منابع اصلی دوام جامعه‌ی اسلامی و قوام آن خمس است. از منابع اصلی درآمدهای دولت اسلامی خمس می‌باشد. اهمیت و متشرع بودن مردم جامعه اسلامی در پرداخت و استفاده از خمس و زکات به عنوان مالیات‌هایی که اسلام بر مردم واجب نموده است با نظارت دولت به درستی و در جای خود صورت خواهد گرفت. علاوه بر این پرداخت خمس و زکات موجب برقراری عدالت توزیعی در میان جامعه اسلامی خواهد شد.

### ب) زکات

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره/۲۷۷)». «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (انبیا/۷۳)». زکات نیز به مانند خمس از منابع اصلی درآمدی می‌باشد که مورد غفلت قرار گرفته است. اینکه آیا زکات فقط شامل اقلام خاصی می‌شود که در فقه گفته شده است یا نه می‌توان به محصولات دیگر که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) وجود نداشته است، تعمیم داد، جای تامل دارد. محل تامل اینجاست که به جای خلق پول‌های متعدد توسط دولت برای جبران کسری بودجه که اقتصاد را شکننده می‌کند باید به این منابع درآمدی اهمیت بیشتری داده شود. لذا ارکان درآمدی کشور که اقتصاد را در برابر فشارها مقاوم می‌کند خمس و زکات است. نظام‌مند نمودن پرداخت مالیات‌های اسلامی که مهمترین آنها خمس و زکات می‌باشند در روند حرکتی جامعه اسلامی موثر است.

### ج) انفاق و صدقه

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/۲۵۴)». آیه بیان می‌کند که فقط نباید با



هدف سود دنیوی تجارت کرد بلکه نمونه‌ی دیگری از تجارت هست که آن تجارت اخروی هست و این است که ماندگار است و از بین رفتنی نیست. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱). انفاق نه تنها سود اخروی دارد بلکه سود دنیوی نیز دارد و علامه (ره) نیز در تفسیر این آیه، این را تایید کرده‌اند و بنابر نظر ایشان این مضاعف شدن فقط مربوط به آخرت نیست. علامه طباطبایی (ره) در بیان و توضیح مضاعف شدن انفاق می‌فرماید: «چون همه افراد جامعه به هم مربوط هستند، پس انفاق یک نفر، اصلاح حال هزاران نفر از افراد جامعه است، و مخصوصا اگر این انفاق در رفع حوائج نوعی از قبیل تعلیم و تربیت و امثال آن باشد. (ترجمه المیزان، جلد دوم)». اهمیت انفاق آنجا روشن می‌شود که وقتی عامل اصلی فساد و فروپاشی اقتصاد غرب را بررسی کنیم، می‌بینیم که از بین رفتن انفاق و شیوع ربا عامل اصلی آن بوده‌است. نتیجه این که داشتن اقتصادی مقاوم که در آن فقیر و فقر مادی نباشد، مستلزم این است که در آن انفاق رواج داشته باشد. آیه شریفه دیگری نیز بر مضاعف شدن انفاق و اجر ثواب کثیر آن تاکید دارد: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۶۵). انفاقی ارزشمند است که در درجه‌ی اول برای رضا و خشنودی الهی باشد و نه اینکه برای این باشد که از شورش فقرا علیه ثروتمندان جلوگیری کند و یا عوامل دیگر، همچنین از اموال طیب باشد و نه خبیث و چیزهایی که انسان به آن رغبتی ندارد و می‌خواهد زندگی خود را از آن پاک کند. خداوند می‌فرماید: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره/۲۶۷). می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌ترین چیزهایی که بدست آورده‌اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده‌ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت‌های ناپاک و پست نروید، در حالی که خود شما هم حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض و ناچاری و بدانید که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. آیات فراوان دیگری که در رابطه با ارزش و سودمندی انفاق است که به چند مورد اشاره می‌کنیم: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

بقره/۲۷۱)». که دلالت بر برتری انفاق پنهانی دارد. «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (حدید/۱۰)». انفاق در شرایط سختی پاداش بیشتری دارد، انفاق در شرایط سخت قبل از فتح مکه، با انفاق در شرایط عادی بعد از آن یکسان نیست. می‌توان این آیه را تعمیم داد به شرایط سخت کنونی و شرایطی که اقتصاد در شرایط تحریم و تورم و رکود به سر می‌برد و از طرف قدرت‌های اقتصاد جهان تحت فشار قرار گرفته‌است؛ به اذعان اندیشمندان اقتصادی نوعی جنگ اقتصادی در حال وقوع است (دکتر مسعود درخشان، سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف) و لذا در شرایط کنونی می‌توان گفت انفاق ارزش بیشتری نسبت به شرایط عادی دارد. نکته دیگری که باید توجه کرد این است که انسان در انفاق نیز باید اعتدال داشته باشد و اینطور نباشد که انفاق باعث ذلت و خانه‌نشینی و حسرت انسان شود قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء/۲۹)». در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان/۶۷)»

#### (د) قرض

قرض نیز به مانند انفاق باعث خواهد شد اقتصادی سالم و به دور از ربا و حرام‌خواری پدید بیاید. اقتصادی که بر پایه‌ی قرض و انفاق پی‌ریزی شود پایدار خواهد بود. آیه زیر به وضوح بر ارزشمندی قرض دلالت دارد و به مانند انفاق و صدقه خداوند متعال وعده داده است که آن را نمو دهد و چند برابر کند، می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره/۲۴۵)». هنگامی که اقتصادی در شرایط فشار است، اگر ثروتمندان به فقرا و نیروی کار بیکار کمک کنند و برای آنها ایجاد اشتغال کنند این موجب رونق و به حرکت درآمدن چرخ‌های تولید کشور خواهد شد و استفاده‌ی هر چه بیشتر از نیرو و منابع به وجود می‌آید و صرفه‌های حاصل از مقیاس<sup>۵</sup> افزایش پیدا می‌کند. دلیل اینکه بسیاری از جوانان در کشور ما بیکار هستند این است که سرمایه اولیه برای ایجاد شغل ندارند، و لذا قرض عامل مهمی خواهد برای

<sup>۵</sup> Economies of scale

اشتغال‌زایی، شاید در مواقعی لازم باشد این قرض به جای اینکه به طور مستقیم به خود مردم داده شود، به دولت داده شود تا دولت به عنوان نهاد متولی آن را در راه‌اندازی شرکت‌های تولید و ساخت مسکن برای جوانان و غیره صرف کند. قرض می‌تواند توزیع ثروت در جامعه را تعدیل نماید و آن را از ثروتمندان به سمت فقرا جاری کند. خداوند در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (حدید/۱۱)». بنابراین علاوه بر اینکه خدا قرض را به صورت مضاعف بر می‌گرداند، سواى آن اجر کریمی هم به قرض دهنده می‌دهد. در آیه‌ی دیگر می‌خوانیم: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (تغابن/۱۷)». هر خیر نیکی و تلاشی که در راه خدا بشود، آن پیش خدا محفوظ و ماندگار است و نابود شدنی نیست، اگر کاری انجام می‌شود بنا بر انجام وظیفه باشد و نه نتیجه، چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «...فَافْرُؤْا مَا تَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مزل/۲۰)» انسان هر کار خیری انجام دهد پیش خدا آن خیر محفوظ است و نابود شدنی نیست و اجرش را تمام و کمال به انسان بر می‌گرداند.

#### ه) ثبت دیون

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لِيُكْتَبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيَمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا (بقره/۲۸۲)». یکی از تذکرات مهم قرآن کریم به مسلمانان گرفتن شاهد و گواه در دیون است، چرا که این عمل امکان سوء استفاده و اشکالات آینده را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد و مانع بسیاری از کلاه‌برداری‌ها و فسادهای اقتصادی می‌شود.



شکل ۴: الگوی مفهومی عوامل قوام اقتصادی جامعه اسلامی مبتنی بر آیات

## ۲) موانع قوام و مقاومت اقتصادی جامعه اسلامی

### • اسراف و تبذیر

«یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمُ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (اعراف/۳۱)»، «وَ آتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهُ وَ الْمَسْکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ لا تُبَدِّرْ تَبْدِیرًا. إِنَّ الْمُبَدِّرِینَ کَانُوا إِخْوَانَ الشَّیْطٰنِ وَ کَانَ الشَّیْطٰنُ لِرَبِّهِ کَفُورًا (اسراء/۲۷-۲۶) زشتی اسراف و تبذیر در این آیات روشن است. چه چیز بدتر از اینکه انسان قرین شیطان و دوست او باشد. در جامعه‌ی اسلامی باید اولاً مصادیق اسراف و تبذیر روشن شود، مثلاً در کشور ما موارد فراوانی وجود دارد که مصداق بارز اسراف است ولی امری عادی شده است، چرا که تفکر عمومی این را پذیرفته است؛ باید به مردم زشتی و قبح اسراف گوشزد شود و آموزش‌ها و پیشگیری‌های لازم در این زمینه انجام گیرد. عدم اسراف در سطح کلان اهمیت فراوان دارد، شاید بتوان گفت مصرف مواد خام در تولید محصولاتی که هزینه فرصت<sup>۶</sup> آنها زیاد است و با صرف هزینه‌ی کم قابل وارد کردن است یکی از مصادیق

<sup>۶</sup> Opportunity cost

اسراف است. تولید محصولات کشاورزی<sup>۷</sup> که منابع آب را هدر می‌دهد و بازده آن کم است از مصادیق اسراف است. احداث کارخانه‌های تولیدی که توجیه اقتصادی ندارند و غیره. بنابراین در رابطه با اسراف باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد. دلیل اینکه ما خیلی از محصولات را وارد می‌کنیم، اسراف است. به عنوان مثال در کشور ما دور ریز نان خیلی زیاد است (مقام معظم رهبری، بیانات در خطبه نماز عید سعید فطر) و این باعث می‌شود که ما در گندم وابسته به خارج شویم و گندم وارد کنیم و از این موارد زیاد است یا مثلاً مصرف کاغذ.

#### • ترس از فقر در آینده

خداوند می‌فرماید: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸ بقره) یعنی: (شیطان (به هنگام انفاق)، شما را از فقر و تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به فحشا و زشتی‌ها فرا می‌خواند، ولی خداوند از جانب خود به شما وعده‌ی آمرزش و فزونی می‌دهد و خداوند وسعت بخش داناست.) بنا براین و باتوجه به گفته‌ی علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بین ترس از فقر و فحشا رابطه‌ی مستقیم برقرار است، چرا که انسان وقتی به خاطر ترس از آینده انفاق نکند کم کم صفت رذیله‌ی بخل در او رسوخ می‌کند و از انجام دیگران واجبات مالی سرباز می‌زند و آنها را انکار می‌کند و نسبت خدا کافر می‌شود و نیز عدم انفاق او موجب می‌شود مستمندان در تنگنا قرار گیرند و لذا نفوس آنها تلف و آبرویشان هتک شود و بازار فساد و فحشا رواج پیدا کند و از جمله اینکه دزدی و بیکاری و قاچاق و قتل زیاد شود و جامعه تباه شود.

#### • ربا

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۳۰)».

آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره‌ی بقره دلالت بر حرمت و رذالت ربا دارد. خداوند متعال اگر ربا را حرام کرده راه برون رفت از آن را هم نشان داده است. یعنی بیع و خرید و فروش را تشریح کرده و وسیله‌ای قرار داده برای ترک ربا. ممکن است که توهم شود که ربا باعث

<sup>۷</sup> نود درصد منابع آبی کشور در بخش کشاورزی استفاده می‌شود. سیدپرویز فتاح، وزیر سابق نیرو، ۱۳۸۸/۲/۱۶

مضاعف شدن ثروت و درآمد شود، در حالی که آیه ۲۷۶ به وضوح بیان می‌دارد که خداوند ربا را محو و نابود می‌کند. بنابراین ربا از نظر مادی نیز به صرفه نیست چرا که نابودی آن حتمی است. خدای متعال صدقه را به عنوان جایگزین ربا پیشنهاد می‌کند و وعده می‌دهد که آن را نمو و رشد دهد. بنابر گفته‌ی علامه طباطبایی (ره): «محو کردن ربا مخصوص آخرت نیست؛ همچنان که نمو دادن صدقات نیست و شامل دنیا هم می‌شود (ترجمه تفسیر المیزان)». بنابراین اگر دقیق نگاه کنیم ربا خوار از نظر اقتصادی نیز ضرر کرده است. در آیه‌ی ۲۷۹ عدم ترک ربا و ادامه‌ی آن به منزله‌ی جنگ با خدا و پیامبرش دانسته شده است. لذا شناسایی مصادیق ربا دارای اهمیت زیادی است. نظام بانکداری فعلی ما دارای شبهات زیادی است، و بسیاری از سودهایی که توسط نظام بانکی دریافت و پرداخت می‌شود، مشکوک به رباست. اقتصادی که پایه‌ها و زیر بنای آن ربا باشد فروپاشی و نابودی آن روشن است چرا که وعده و سنت الهی بر این قرار گرفته که ربا محو می‌گردد.

ظلم، رباخواری و خوردن مال مردم به باطل از عواملی است که مانع طیبات الهی است و آن را بر انسان حرام می‌گرداند. لذا یکی از اهدافی که اقتصاد باید دنبال کند این است که به دنبال زدودن انواع ظلم در جامعه باشد. انقلاب اسلامی که داعیه جهانی شدن را دارد باید از خود شروع کند و ریشه‌های ظلم را برکند. خداوند می‌فرماید: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّلْنَاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا. وَأَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نسا/۱۶۲-۱۶۱)». گاهی محرومیت‌های اقتصادی و تنگناهای مادی نشانه‌ی قهر و کیفر الهی است: «فبظلم... حرمنا (قرائتی، تفسیر نور)»، باید ریشه‌های انواع ظلم برچیده شود، لذا یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاوم و پایدار این است که در آن ظلم نباشد چرا که ظلم باعث فروپاشی اقتصاد خواهد شد و انواع تنگانای اقتصادی را به بار خواهد آورد وقتی که نعمات حرام شود بالطبع شرایط سخت‌تر می‌شود و فشارها زیادتر.

#### • اکل مال به باطل و تصرف ناعادلانه در مال یتیم

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۱۸۷)». «تصرف در اموال دیگران، موهون

به سبب حق و ابزار صدق است و هرگونه تصرف در آنها خارج از قلمرو اسباب حق و ابزار صدق، اکل به باطل و کذب است؛ نه اکل به حق و صدق. اکل به باطل و تصرف حرام مصداقهای فراوان دارد که بارزترین آنها ارتشا، غضب، تعدی به مال یتیم و حیف و میل آن، رباخواری و کم‌فروشی است (جوئدی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم). در رابطه با مال یتیم در قرآن کریم آمده است که ولی یتیم در صورتی که اموال وی در اختیار او باشد، باید به آن مال رشد بدهد. «وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (نساء/۲)». اسلام نحوه‌ی تصرف در اموال دیگران را در این آیه بیان می‌کند، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء/۲۹)». معامله‌ای که بر مبنای ربا و قمار و دیگر وسایل غیر شرعی باشد باطل است. این آیه مبنای تجارت و معامله و انتقال اموال را در اسلام مشخص می‌کند و آن این است که معامله بر اساس تجارت عن تراض باشد.

#### • کنز و اندوختن مال

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه/۳۴)». آیا این آیه دلالت بر این ندارد که کنز طلا و نقره و پول و عدم هزینه کردن آن در راه خدا و یا به عبارت دیگر به منظور رونق اقتصادی کشور از مصادیق اکل مال به باطل است؟ آیا پس انداز کردن پول در بانک و عدم سرمایه گذاری آن در کارهای تولیدی و اقتصادی از مصادیق کنز به شمار نمی‌رود؟ اسلام صرف ذخیره و کنز نمودن پول را جایز نمی‌داند؛ زیرا پول و ثروت هنگامی که موجب آبادانی و تولید و رونق جامعه اسلامی گردد، امری پسندیده و نیکو محسوب می‌شود و کسی که در راه کسب مال حلال برای معیشت خود، جانش را از دست بدهد، شهید محسوب می‌شود. طمع‌ورزی و جمع ثروت بدون مولدیت در ادبیات قرآن کریم جایگاهی ندارد.

## • گمراهی دیگران بوسیله پول و مال

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (يونس/۸۸)». مال وسیله‌ی آزمایش انسان است و داشتن مال و اموال زیاد دلیل بر بودن در راه هدایت نیست، اگر مال در دست نااهلان قرار گیرد وسیله‌ای خواهد بود برای گمراهی بندگان از راه مستقیم، اگر لام در لیزلوا لام عاقبت باشد آیه این معنی را خواهد داد که نتیجه‌ی قرار گرفتن مال در دست افرادی مانند فرعون و قومش باعث خواهد شد که بندگان را از راه حق گمراه کنند و اگر لام علت باشد به این معنا خواهد بود که خداوند به عنوان مجازات ظالمان به آنها مال زیاد می‌دهد تا دست به فساد و گمراهی بندگان در زمین بزنند و از این طریق جرمشان افزایش پیدا کند تا در آخرت آنها را دچار عذاب دردناک گرداند. نتیجه‌این که اگر مال به دست افراد سود جو و بی‌دین بیافتد، آنها زمینه‌ی گمراهی بندگان را فراهم خواهند کرد. همانطور که دولت آمریکا که دارای ثروت عظیمی است این کار را انجام می‌دهد و با انواع کارهای رسانه‌ای و فرهنگی و تولیدی، به دنبال ترویج مدگرایی و فحشا و تجمل و اسراف در جهان است تا از این طریق هر چه بیشتر محصولاتش را به فروش رساند و سودش را افزایش دهد. بنابراین کشوری که دارای مال و ثروت زیادی است به این معنی نیست که دارای قوام اقتصادی هم باشد، همانطور که می‌بینیم اقتصاد آمریکا دارای قوام نیست و روز به روز فروپاشی آن نزدیک‌تر می‌شود بلکه قرار گرفتن مال در دست افراد صالح و راه‌اندازی آن در راه صلاح جامعه و تولید است که موجبات قوام را پدید می‌آورد. در ادامه‌ی آیه حضرت موسی از خدا می‌خواهد که اموال آنها را نابود کند و دل‌های فرعونیان را سخت گرداند، بنابراین مالی که در دست نااهلان باشد دوام نخواهد داشت و روزی خواهد رسید که خدا آن را نابود کند.

## • طمع و چشم دوزی به نعمات دیگران

حسادت در جامعه‌ی اسلامی نسبت به مال و ثروت برادران دینی نباید باشد. همه باید در جهت رونق اقتصاد تلاش کنند و نباید به دلیل حسادت از تلاش باز ایستاد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (نساء/۳۲)».



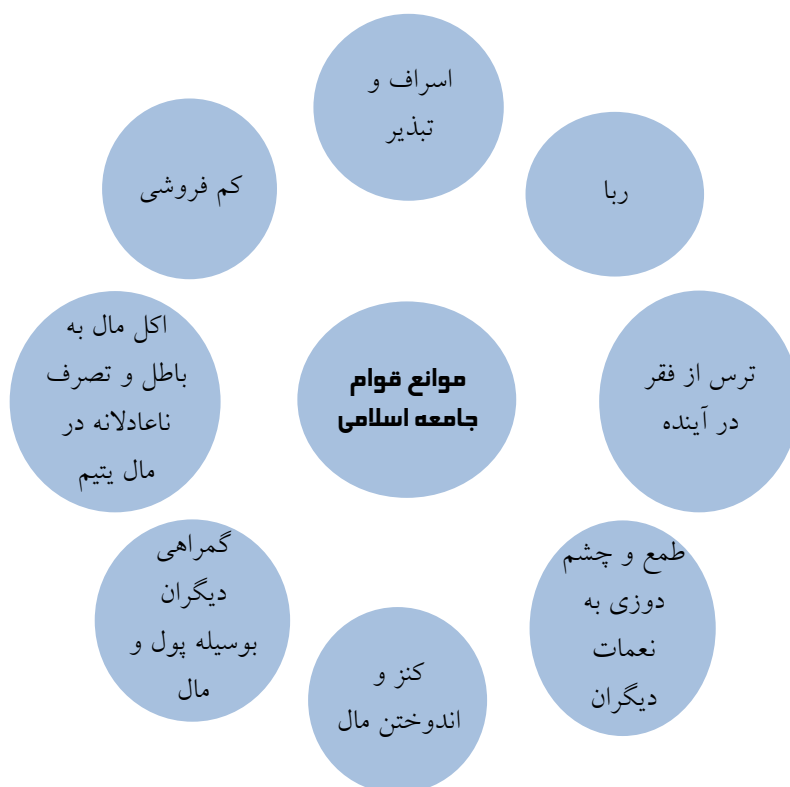
می‌فرماید: و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از اکتساب در آیه نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است، اعم از این که این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد، نظیر اکتساب از راه صنعت، و یا حرفه و یا به غیر عمل اختیاری، لیکن بالاخره منتهی شود به صفتی که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد، مانند مرد بودن مرد، و زن بودن زن (ترجمه‌ی تفسیر المیزان)». لذا بنا بر گفته‌ی علامه طباطبایی (ره) هم آرزوی نعمت‌های خدادادی دیگران از قبیل هوش بالا و یا قدرت بالا نباید باشد و هم آرزوی آنچه که دیگران با حرفه و عمل و استعداد خود کسب کرده‌اند، چرا که آرزو به این معنی است که دل انسان چیزی را بخواهد که کسب آن غیر ممکن باشد و یا دشوار، و تکرار این آرزو بنا به فرموده‌ی علامه (ره) باعث می‌شود یک حسادتی در جان آدمی شعله ور گردد و او در جهت از بین بردن نعمت دیگران اقدام کند و در نتیجه جامعه به تباهی و فساد کشیده شود، زیرا حسد می‌تواند به همه‌ی دل‌ها نفوذ پیدا کند و اگر دل همه‌ی مردم به آن آلوده شود حرث و نسل و جامعه نابود خواهد شد. بنابراین این آیه نمی‌خواهد جامعه‌ی انسانی را از رقابت سالم و کوشش در جهت پیشرفت و ترقی و رفع استثمار و استعمار نهی کند، بلکه می‌خواهد بگوید هر کس در حد توان خود تلاش کند و به کسب و استعداد خود راضی باشد و از آرزوی داشتن نعمت‌هایی که امکان دسترسی به آن از راه شرعی وجود ندارد و فقط موجب شعله ور شدن روحیه‌ی حسادت و طمع در انسان می‌شود، پرهیز کند؛ تا هم خودش به آرامش برسد و هم جامعه و اقتصاد قوام پیدا کند. نکته دیگری که از این آیه برداشت می‌شود مربوط به عدالت است و آن اینکه: «عدالت، غیر از تساوی است. عدالت همه جا ارزش است، ولی تساوی گاهی ارزش است و گاهی ظلم. مثلاً اگر پزشک به همه مریض‌ها یک نوع دارو بدهد، یا معلّم به همه شاگردان یک نوع نمره بدهد، تساوی هست، اما عدالت نیست. عدالت، آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم، گرچه موجب تفاوت شود، زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت‌ها و کمالات حقّ است، اما تبعیض باطل است.

لذا در جامعه‌ی اسلامی باید بر اساس استعدادها امکانات را تقسیم کنیم تا بهره‌وری افزایش یابد نه بر اساس تساوی بین افراد (قرائتی، تفسیر نور)»

### • کم فروشی

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (اسراء/ ۳۵)». قسطاس مستقیم ترازوی عدل است که هرگز در وزن کردن خیانت نمی‌کند. قرآن وفای به کیل و اندازه‌گیری با ترازو و قسطاس سالم، هنگام خرید و فروش را تاویل احسن می‌نامد. علامه طباطبایی (ره) درباره دلیل این تعبیر می‌فرماید: «و احسن تاویلا بودن این دو عمل از این جهت است که اگر مردم این دو وظیفه را عمل کنند، کم نفروشدند و زیاد نخرند رشد و استقامت در تقدیر معیشت را رعایت کرده‌اند، چون قوام معیشت مردم در استفاده از اجناس مورد حاجت بر دو اصل اساسی است، یکی به دست آوردن جنس مرغوب و سالم و بدردخور و دیگری مبادله مقدار زائد بر حاجت با اجناس دیگری که مورد احتیاج است. آری هر کسی در زندگی خود چه مقدار از اجناس خود را بفروشد و با قیمت آن اجناس دیگر مورد حاجت خود را تحصیل کند و اگر پای کم فروشی به میان آید حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از میان می‌رود. و اما اگر کیل و وزن به طور عادلانه جریان یابد زندگی و اقتصادشان رشد و استقامت یافته و هر کس هر چه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش به دست می‌آورد، و علاوه بر آن، نسبت به همه سوداگران وثوق پیدا کرده و امنیت عمومی برقرار می‌شود. (تفسیر المیزان/ ج ۱۳)». نتیجه این که برای این که معیشت مردم قوام داشته باشد باید در بازار و مبادلات مردم عدل حاکم باشد و کم فروشی از فضای مبادلات برچیده شود. در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (مطففین/ ۳-۱)». این آیه مصداق کم فروشان را بیان می‌کند و می‌گوید کم فروشان کسانی هستند که وقتی کالایی را از مردم می‌خرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می‌دارند ولی وقتی می‌خواهند چیزی را به مردم بفروشند، پیمانانه را به طور ناقص می‌دهند و یا اینکه به طور ناقص وزن می‌کنند. به عبارت دیگر مطففین کسانی هستند که حق خود را به طور کامل رعایت

می‌کنند ولی حق مردم را آن طور که باید رعایت نمی‌کنند و این باعث می‌شود که تعادل از جامعه رخ بریندد و فساد و عدم اعتماد بر جامعه حاکم گردد.



شکل ۵: الگوی مفهومی موانع قوام اقتصادی جامعه اسلامی مبتنی بر آیات

### ۳. نتیجه‌گیری

منطق و ادبیات قرآن کریم راه و چارچوب رسیدن به سعادت را برای نوع انسان ترسیم و بازگو نموده‌است. میزان اعتقاد و به‌کارگیری این دستورات و استفاده از راهبردهای قرآن کریم امکان رسیدن به اقتصادی مقاوم در وهله اول و پس از آن شکوفایی اقتصاد اسلامی در جامعه مسلمانان را به همراه خواهد آورد. در این نوشتار سعی بر ترسیم چارچوب کلی مفهوم قوام و مقاومت در قرآن مجید بود. اسلام عزیز و کتاب آسمانی آن، قرآن، استراتژی‌های لازم برای سعادت را برای بشر بازگو نمودند. این خود بشر است که باید با سیاست‌گذاری مناسب و با نظام‌سازی بر اساس قرآن راه رسیدن به سعادت را بییماید. در این مسیر و با واکاوی اجمالی این بحر عظیم، قرآن کریم، مطالعه حاضر در اهم نتایج خود پس از بررسی الگو و نظام مفهومی اقتصاد مقاومتی و ربط نسبت آن با اقتصاد اسلامی و

قرآن و سنت، با محوریت قرآن کریم به بررسی عوامل و موانع قوام و مقاومت اقتصادی پرداخت و در نتیجه به دو ابر مفهومی در این حوزه‌ها دست یافت. عوامل قوام و مقاومت اقتصادی از منظر قرآن کریم عبارتند از: یاد خدا و طیب بودن، یاد خدا نه صرفه‌ی اقتصادی، عدم سلطه کفار، احیاء و اتکاء بر پرداخت‌های اسلامی، استقامت در عمل و راه حق و تمام کردن کار به نحو قابل قبول (اتقان در کار و عمل)، تلاش و کار در حد توان و پرهیز از تنبلی؛

و موانع قوام و مقاومت اقتصادی از منظر آیات عبارتند از: اسراف و تبذیر، ربا، کم‌فروشی، اکل مال به باطل و تصرف ناعادلانه در مال یتیم، گمراهی دیگران بوسیله پول و مال، کنز و اندوختن مال، طمع و چشم‌دوزی به نعمات دیگران، ترس از فقر در آینده.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم؛
- بهشتی، محمدحسین، (۱۳۸۷ش) اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
- پیغامی، عادل (۱۳۹۲)، سلسله گفتارهای اقتصاد مقاومتی، موسسه طلوع حق، تهران برگرفته از سایت [rajanews.com/detail.asp?id=188072](http://rajanews.com/detail.asp?id=188072)
- پیغامی، عادل، سمیعی نسب، مصطفی، سلیمانی، یاسر (۱۳۹۴)، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: مقاومتی در ادبیات متعارف: ج ۱: تاب‌آوری و آسیب‌پذیری، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)؛
- جوادی آملی، عبدالله، پیام به همایش اقتصاد مقاومتی، اردیبهشت ۱۳۹۲ش؛
- جوادی آملی، عبدالله، به کوشش قدسی، احمد، تفسیر تسنیم، انتشارات اسراء - قم، جلد چهارم، چاپ ششم، زمستان ۸۹؛
- سیدعلی حسینی خامنه‌ای، پایگاه اینترنتی ([Khamenei.ir](http://Khamenei.ir))، بخش بیانات
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ه ش.)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طهماسبی بلداجی، اصغر، طهماسبی بلداجین، آذر، «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت»، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۷، پاییز ۹۲ش؛
- عبدالملکی، حجت الله (۱۳۹۳)، "نظریه اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل"، انتشارات سدید، تهران.
- قرائتی محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - تهران، چاپ یازدهم؛
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامی - تهران، چاپ اول؛
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام،؛
- مهری قبادی قوردلار، (۱۳۹۲ش)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «مبانی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایات»، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.